

سرمایه‌داری و تناقض کار کودک

فریبرز رییس‌دانا



ورود کودکان به بازار کار به ویژه بازاری که به دست‌های ظریف و ظرفیت‌پذیری محدود آنان نیاز دارد به هر حال بنا به قانون ستمگرانه‌ی بازار عرضه و تقاضا، موجب افت دستمزدهای پولی می‌شود. اما عدم ورود آنان به این بازار خانواده‌ها را بیچاره می‌کند. در جهان ۲۷۰ میلیون کودک کار وجود دارند هم سرمایه‌داری و هم خرده فرهنگ‌های به جا مانده از دوران پیشاسرمایه‌داری و هم خانواده‌های قربانی شده به کار اینان نیاز دارند.

کانون مدافعان حقوق کارگر - نظام سرمایه‌داری تناقض‌های عجیب و حل‌ناشدنی‌ای دارد. شماری از آنها جهان شمول‌اند و شماری به کشورهای مختلف در رده‌های مختلف توسعه، گروه‌های فرهنگی و مناطق اجتماعی تعلق دارند. یکی از این تناقض‌ها حضور زنان در بازار کار است. سرمایه‌داری بی‌تردید نسبت به نظام‌های پیشین در خود امکانات بیشتری برای آزادی و فعالیت زنان دارد زیرا به نیروی کار مزدوری وابستگی اساسی دارد و ضمناً در فضای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی‌ای که با آن عجین است، واکنش دیالکتیکی مبارزه‌ی زنان برای رهایی واقعی شکل می‌گیرد. این تناقض به این صورت بروز می‌کند که وقتی زنان به زبان اقتصاد بورژوازی، که در این جا زبانی ناگزیر است، به "بازار کار" وارد می‌شوند با افزودن بر عرضه‌ی نیروی کار موجب کاهش دستمزد پولی می‌شوند. اگر وارد این بازار نشوند با روال دگرگونی تاریخی جامعه ناسازگاری کرده‌اند. این به جای خود اما فشار هزینه‌های زندگی و ضرورت یافتن شماری از کالاها و خدمات مصرف و نیازهای رفاهی و خدماتی آموزشی و بهداشتی که اقتصاد سرمایه‌داری با کالایی کردن همه چیز آن را از مردم دریغ می‌دارد، موجب می‌شود که زنان راهی بازار کار شوند و با شرایط نامناسب‌تر مربوط به دستمزد ساعات کار محیط کار و شرایط اجتماعی فرهنگی آن ناگزیر کنار بیایند. به این ترتیب آنها از حیث فردی منافع خود را در می‌یابند اما از حیث جمعی آن را تخریب می‌کنند. چه بسا بر اثر کار زنان هزینه‌های ناخواسته‌ی تحمیل شده به خانواده مانند هزینه‌های نگهداری کودک، درمان بیماری‌ها، هزینه‌های کمک‌خانه‌دار برای شست‌وشو و خدمات خانه، هزینه‌های ناشی از بی‌توجهی به امور منزل بخش قابل‌توجهی از دریافت زنان را به خود اختصاص می‌دهد. راه‌حل این تناقض سهیم شدن به ستم

ناشی از تناقض سرمایه‌داری یا دل دادن به قواعد و مقررات و سوخت و ساز بازار نیست. راه حل روی گرداندن از حضور اجتماعی زنان نیز نیست. راه حل نهایی در تدبیرجویی‌های سطحی رایج هر چند آثار مثبتی از حیث "اقتصاد خانواده" - که از مقوله‌های اقتصاد خرد و بورژوازی است - بتوان در آن یافت، نیز نهفته نیست. راه حل واقعی عمل‌گرایانه به‌رغم هر انتخاب مناسب در صحنه‌های زندگی، در مبارزه علیه نظامی است که یا ستم می‌آفریند یا تناقض، راه حل مبارزه‌ی رهایی‌جویانه‌ی زنان در متن مبارزات دموکراتیک و طبقاتی است.

اگر می‌توانیم با زنان در جامعه این‌گونه سخن بگوییم، با کودکان نمی‌توانیم. در اینجا سرشت تناقض‌آمیز برای کودکان قربانی شده در نظام سرمایه‌داری ابعادی هولناک به خود می‌گیرد. کودکان وقتی کار می‌کنند، حتی اگر کارشان توأم با تکدی‌گری و جلبِ ترحمِ کمتر موفق در این شهرهای بی‌ترحم باشد، درآمدی به دست می‌آورند. بخشی از این درآمد به جیب مراقبها و سرگروه‌های سازمان‌دهی کودکان خیابان و بی‌پناه می‌رود. اما بخشی از آن برای زنده ماندن و رفع گرسنگی شکمی و احیاناً کفش و لباس و اسباب‌بازی محقرانه او به کار می‌رود. در میان حدود ۷۰۰ هزار کودک کار و خیابان تمام‌وقت و نیمه‌وقت در ایران البته سهم مهمی نیز مرکب از کودکانی‌اند که باید حاصل کار خود را به کمک به معیشت خانوادگی خود اختصاص دهند. بعضی از آنها واقعا سرپرست خانواده‌اند. من آمار دقیق و برآوردهای آماری خود را در این مورد گم کرده‌ام، اما شمار آنان قابل‌توجه است. آنها از پدر و مادر یا خواهر و برادر سالمند، از کار افتاده، معلول یا معتاد خود نگهداری می‌کنند. آنها راهی جز این کار ندارند: "به کجا رود کیوتر که اسیر باز باشد".

بدبختی نهفته در تناقض از همین جا ناشی می‌شود. این کودکان، این "گنجشکان خیابان" به واقع قربانی هیچ چیز نیستند مگر هم‌دستی ستم سرمایه و بی‌اعتقادی دولتها به فعالیت‌های رفاهی و خدماتی بی‌بازده اما انسانی. اما نه دولت و نه سرمایه‌داری که به نوبت از پشتیبانی و شرکت این و آن دولت بهره‌مند می‌شود، حاضر نیستند نتایجی ناشی از حیات اقتصادی خود را که منجر به تولید و ثروت‌اندوزی بر مبنای کار کودکان شده است، برعهده گیرند. اکثر آنها وجود چنین پرنده‌های بی‌بال و پر معصوم را انکار می‌کنند. بارها شنیده‌اید که می‌گویند: "متکدیان هر یک چند خانه دارند طلا و جواهر جمع می‌کنند"، "کودکان ریاکارند و پول‌های زیادی را به اتفاق سردسته‌ها یا پدر و مادر واقعی یا ناواقعی‌شان به جیب می‌زنند"، این

حرفها فقط گمراه‌کننده نیستند، بلکه بی‌شرمانه‌اند. حتی اگر بتوانند چند موردی هم متکدی موفق را نشانه کنند.

تناقض وقتی ظاهر می‌شود که بازداشتن کودکان از کار کردن، چنان که روز لغو کار کودک تبلور انسانی آن است، به منزله بیچاره کردن اعضای نیازمند خانواده است. اما اجازه دادن به کار کودکان (این‌که کودک را زیر ۱۵ سال، یا زیر ۱۸ سال می‌گیریم؟ بستگی به شرایط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی دارد) یعنی اجازه دادن به رواج ناانسان‌گرایی روابط ناسالم، خطرهای جنسی و جسمی و روحی برای کودکان و چشم بستن به روش‌های سنگدلانه سوداندوزی سرمایه داری. در ایران کارگاه‌های زیادی هستند که از کار سازمان یافته کودکان استفاده می‌کنند که شامل قالب‌بافی، رنگ‌رزی، صنایع دستی، جوراب‌بافی، نجاری، آجرپزی، ناوایی، ساختمان‌سازی، کار در مزرعه و باغ و نگهداری حیوانات و جز آن می‌شود. همه آنها سنگدلانه‌اند، اما لزوماً مبتنی بر کار مزدوری کودکان توسط سرمایه داران نیستند، چه بسا کودکان در کنار والدینشان کار می‌کنند. اما این ستم سرمایه داری در شکل توسعه‌ی ناموزون آن است که به هر حال بر همه‌ی شکل‌های کار، حتی شکل‌های سنتی و خانوادگی آن، سایه‌ی شوم خود را می‌اندازد.

ورود کودکان به بازار کار به ویژه بازاری که به دست‌های ظریف و ظرفیت‌پذیری محدود آنان نیاز دارد به هر حال بنا به قانون ستمگرانه‌ی بازار عرضه و تقاضا، موجب افت دستمزدهای پولی می‌شود. اما عدم ورود آنان به این بازار خانواده‌ها را بیچاره می‌کند. در جهان ۲۷۰ میلیون کودک کار وجود دارند هم سرمایه‌داری و هم خرده فرهنگ‌های به جا مانده از دوران پیش‌سرمایه‌داری و هم خانواده‌های قربانی شده به کار اینان نیاز دارند. اگر از زنان می‌توانیم بخواهیم به جای این در و آن در زدن و تسلیم شدن و خود را پایین دیدن باید به‌رغم دل دادن به واقعیت معیشتی علیه نظام سیاسی و اقتصادی متحد شوند و وجدان جمعی خود را تحکیم بخشند، این را از کودکان نمی‌توانیم بخواهیم. آنها نیاز به شنیدن موعظه‌های ما ندارند. بیشتر از موعظه لازم دارند از سر و کولمان بالا بروند و بازی کنند. حتی زنان نیز به تنهایی نمی‌توانند پندهای روشنفکرانه و فیلسوف‌مآب را بشنوند و عمل کنند. آنها در حصار تجر و تعصب و خرافه، زور و سرکوب و نیرنگ‌گیر افتاده‌اند. وضع کودکان که روشن است. همه‌ی آنها به ویژه گنجشگان خیابان نیاز به یاری عملی ما دارند. تدوین نظریه‌ها بر مبنای تجربه و نظریه و برای آزمون شدن

در عرصه ی خیابان، در حوزه های مسایل کودک، خود بخشی از پراکسیس است.

برگرفته از تارنمای [www.iranpress.com](#)